Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۷۶
یکشنبه / ۱۳ اردیبهشت / ۱۴۰۵
۱۵ / ذوالقعده / ۱۴۴۷
3 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافرد حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۲۴۳-۰۲۶، فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۴۲ امروز با حافظ

ای دلیل دل گمگشته خدا را مددی
که غریب ار نبرد ره به دلالت برود
حکم مستوری و مستی همه بر خاتمت است
کس ندانست که آخر به چه حالت برود

طنز آیین برادری و شرط یاری
آن نیست که عیب من هنر پنداری
آنست که گر خلاف شایسته روم
از غایت دوستیم دشمن داری

سعدی

فال کرج اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۷	۰۵:۱۱	۱۲:۰۳	۱۸:۵۵	۱۹:۱۵

برگه بزرگترین ثروت این است که بتوانید با چیزهای کوچک راضی و قانع زندگی کنید...

افلاطون

گزارش روز

تحلیل روانشناختی عکسی که در آن صدام، خود صدام بود

عکس، قاب تاریخ است. هر عکس، روایتگر لحظه ای از تاریخ است و تاریخ چیزی جز لحظه‌های متصل به هم نیست. اما حکایت برخی عکس‌ها، ماندنی‌تر و تاریخی‌تر و البته تحلیلی‌تر هستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تایناک، عکسی که مشاهده می‌کنید شاید در نگاه اول یک شوخی ساده مرد عرب دشداشه پوشی یا همسرش باشد اما مرور و دقت عکس نکته های دیگری را روشن می‌کند، این فقط یک عکس یادگاری خانوادگی از دیکتاتور بغداد نیست

این عکس دهه ۱۹۶۰ (دوران نامزدی یا اوایل ازدواج) صدام حسین جوان یا همسر اولش ساجده طلفاح (دختر عمویش) است.

صدام درست در لحظه‌ای که عکاس نام‌شخص، خواسته شاتر دوربین را بچکاند، سلاح کمری اش را یا لبخند، روی به شقیقه ساجده گرفته و ساجده یا چهره‌ای معذب و ترسیده، دستش را بالا برده. بسیاری این را «شوخی» می‌نامند، اما این عکس دقیقاً نمادی از «صدام بودن صدام» است که بعدها جهان را به لرزه درآورد. این ژست ظاهراً بی‌ضرر، در واقع پنجره‌ای شفاف به شخصیت پیچیده و خطرناک اوست.

این حرکت فراتر از یک شوخی ساده است. از منظر روانشناسی، چندین لایه عمیق دارد:

- نمایش سلطه و کنترل مطلق: حتی در فضای خصوصی و عاطفی (عکس دو نفره یا همسر)، صدام نیاز دارد قدرت را به نمایش بگذارد. اسلحه به عنوان نماد مرگ و خشونت، مستقیماً به سر شریک زندگی‌اش نشانه رفته. این نشان‌دهنده دیدگاه ابزاری به روابط انسانی است؛ دیگران (حتی نزدیک‌ترین افراد) ابزارهایی برای تأیید شخصیت او هستند.

ویژگی‌های سادیستیک (Sadistic) لذت بردن (یا حداقل بی‌تفاوتی) نسبت به ترس و ناراحتی ساجده. مطالعات روانشناختی نشان می‌دهد صدام به شدت در اختلال شخصیت سادیستیک امتیاز بالا گرفته است. او نه تنها از خشونت ابزاری استفاده می‌کرد، بلکه گاهی از ایجاد رعب و وحشت لذت می‌برد.

کمبود همدلی (Empathy Deficit) دیگر مشخصه این عکس است و یک ویژگی کلیدی نارسیسیسم بدخیم (Malignant Narcissism) صدام قادر نبود درد، ترس یا ناراحتی دیگران را به درستی درک کند، چون ناخودآگاه آسیب‌دیده‌اش این اجازه را نمی‌داد.

- طنز تاریکی در این عکس دیده می‌شود این «شوخی» الگویی از رفتار او در تمام عمر بود؛ ترکیب خشونت یا لبخند، تهدید با شوخی. بعدها همین الگو در مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و حتی اعدام‌ها دیده شد.

اما ریشه اصلی روانشناختی این ژست عجیب و خطرناک، «خود زخمی» صدام (Wounded Self) در کودکی است. پروفایل‌های اطلاعاتی و تحقیقات آکادمیک ریشه این رفتار را در کودکی پرتروماي صدام می‌بینند:

- پدرش پیش از تولدش مرد. مادر صدام دچار افسردگی شدید شد، اقدام به خودکشی کرد و حتی سعی در سقط جنین او داشت. پس از تولد، او را نخواست و به برادرش (خیرالله طلفاح) سپرد. در سه‌سالگی به مادر بازگشت که با نابردباری خشن و کتک‌زن ازدواج کرده بود. صدام مورد سوءاستفاده روانی و جسمی قرار گرفت.

- دکتر جرولد پست (بنیانگذار مرکز تحلیل شخصیت و رفتار سیاسی CIA) این را «خود زخمی» نامید. صدام برای جبران این تحقیر عمیق، به گرندیوزیتی (خودبزرگ‌بینی مرضی) روی آورد. او خود را با شخصیت های تاریخی و به خصوص صلاح‌الدین ایوبی مقایسه می‌کرد و عراق را امتداد وجود خودش می‌دید. جمله و شعار آشنای حزب بعث: «صدام عراق است، عراق صدام است»

شخصیت صدام بر اثر این اسیب ها منجر به نارسیسیسم بدخیم شد: ترکیبی از نارسیسیسم پاتولوژیک، ویژگی‌های آنتی‌سوشیال (ضداجتماعی)، پارانوئید (بدگمان) و پرخاشگری بدون مهار.

پژوهش های آکادمیک نشان می‌دهد پروفایل شخصیتی و الگوی روانشناختی صدام حسین با هیتلر همپستگی بسیار بالایی (۰.۷۹) داشت، با این تفاوت که ویژگی سادیستیک در صدام قوی‌تر بود.

در تحلیل سازمان سیا از شخصیت صدام آمده است: صدام را «دیوانه خاورمیانه» نمی‌دانست، بلکه «محاسبه‌گر خطرناک» توصیف کرد. صدام فقط به خودش وفادار بود.

این عکس تاریخی از جوانی صدام حسین دهه ۶۰ دقیقاً لحظه‌ای است که «خود زخمی» هنوز در حال تبدیل شدن به «دیکتاتور مطلق» بود. همان ژستی که در عکس عروسی نامزدی دیده می‌شود، بعدها در مقیاس ملی تکرار شد: ترساندن، سلطه، حذف تهدیدها (حتی درون خانواده) و لذت از نمایش قدرت.

عکس صدام، یک «شوخی» ساده نبود. نشانه اولیه یک شخصیت بود که روابط انسانی را میدان نبرد می‌دید، ترس را ابزار کنترل می‌دانست و هرگز نتوانست زخم کودکی‌اش را التیام بخشد.

برش

در مدح عقاب‌های ایرانی، ورژن ۱۴۰۴

نگاهی کوتاه به خلبانان و پروازهایی که معادلات جنگ هوایی را در جنگ تحمیلی سوم و ۸ سال دفاع مقدس تغییر دادند، خالی از لطف نیست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، گزارش تازه آن‌بی‌سی (رسانه آمریکایی) از عبور یک اف ۵ ایرانی از پدافند آمریکا بار دیگر توجه‌ها را به عملیات‌های جسورانه هوایی خلبانان ایرانی جلب کرده است؛ روایتی که از نبردهای امروز تا خاطره عملیات‌هایی مانند اچ ۳ و نام خلبانانی چون عباس دوران، عباس بابایی و جلیل زندی امتداد پیدا می‌کند. این رخدادها یادآور دوره‌ای از تاریخ نظامی ایران است که در آن عملیات‌های هوایی جسورانه و خلبانان برجسته، نقشی تعیین کننده در معادلات جنگ ایفا کردند؛ از عملیات‌های دوربردی مانند حمله به پایگاه‌های غرب عراق گرفته تا عملیات بغداد که در آن دوران موجب خشم دشمن شد.

زلزله در پایگاه آمریکا

گزارش ان‌بی‌سی در ۶ اردیبهشت ماه به یکی از حملات کم‌سابقه اشاره می‌کند که به‌گفته این رسانه، نشان‌دهنده جسارت و پیچیدگی عملیات هوایی ایران بوده است. در این گزارش آمده است که یک خلبان ایرانی با جنگنده اف ۵ توانسته از شبکه پدافندی آمریکا عبور کند و پایگاه این کشور در کویت را هدف قرار دهد. به روایت این گزارش، این حمله خسارت‌هایی قابل توجه به زیرساخت‌های نظامی پایگاه نظامی وارد کرده است. انبارهای تجهیزات، آشیانه‌های هواپیما، ستاد فرماندهی، زیرساخت‌های ارتباطات ماهواره‌ای، باندهای پرواز و سامانه‌های راداری از جمله بخش‌هایی هستند که آسیب دیده‌اند.

همچنین گفته شده چند فروند هواپیما نیز در این حمله دچار خسارت شده‌اند و هزینه بازسازی این پایگاه ممکن است به میلیاردها دلار برسد. آنچه این عملیات را در نگاه تحلیلگران برجسته کرده، نحوه اجرای آن است. به‌گفته مقام‌های آمریکایی که در گزارش‌ها به آنها استناد شده، جنگنده اف ۵ ایرانی با پرواز در ارتفاع پایین به منطقه نزدیک شده و حمله‌ای با «بمب غیرهوشمند» انجام داده است. این در حالی است که انتظار می‌رفت سامانه‌های پدافندی پیشرفته و شبکه‌های دفاع هوایی کوتاه‌برد، مانع از رسیدن هر هواپیمایی به چنین هدفی شوند.

شکار اف ۳۵ در جنگ تحمیلی سوم

روایت دیگری که در هفته‌های اخیر توجه‌ها را جلب کرد، مربوط به هدف قرار گرفتن یک جنگنده اف ۳۵ از سوی پدافند ایران در جریان جنگ تحمیلی سوم است. در ویدئوی منتشرشده از نیروی پدافندی که اف-۳۵ را هدف قرار داد، او لحظات شکار این جنگنده را اینگونه روایت می‌کند: «تجربه جنگ ۱۲ روزه باعث شد سامانه‌های دفاعی به سمت پدافند نوین ارتقا پیدا کنند.» به‌گفته یکی از نیروهای حاضر در این عملیات، حوالی ساعت ۲ بامداد بود که نشانه‌های حضور یک اف ۳۵ در آسمان شناسایی شد. پس از ردیابی دقیق، سامانه پدافندی موقعیتی مناسب برای شلیک به‌دست آورد. او روایت می‌کند: «در لحظه شلیک، تمام نیروها آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (ای رسول، چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند.) را بر زبان داشتند. دقایقی بعد، هدف مورد اصابت قرار گرفت و هیجان و شادی نیروها قابل توصیف نبود.» این اتفاق نشان داد که ادعای غیرقابل ردیابی بودن برخی جنگنده‌های نسل جدید در میدان نبرد واقعی می‌تواند به چالش کشیده شود. این موضوع تنها از سوی ایران تأیید نشد بلکه سخنگوی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) نیز در اظهاراتی تأیید کرد که یک جنگنده اف ۳۵ در حال انجام مأموریت بر فراز ایران هدف قرار گرفت.

عملیات الولید: یکی از پیچیده‌ترین حملات هوایی

در تاریخ ۸ سال دفاع‌مقدس نیز عملیات‌هایی وجود دارد که از نظر پیچیدگی و جسارت در ردیف مأموریت‌های شاخص هوایی قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها عملیات الولید یا همان حمله به پایگاه‌های اچ ۳ در عراق بود. این پایگاه‌ها در نزدیکی مرز اردن بودند و فاصله زیادی با خاک ایران داشتند. برای رسیدن به آنها، خلبانان ایرانی ناچار بودند مسافتی بسیار طولانی را طی و از مسیرهایی عبور کنند که کمترین پوشش رادار را داشته باشد. حمله به پایگاه‌های الولید باعث وارد آمدن خسارت جدی به هواپیماها و تجهیزات مستقر در آنجا شد و نابودی ۴۸ فروند انواع جنگنده بخشی از این خسارت بود. اهمیت این عملیات تنها در خسارت‌های وارد شده نبود بلکه در طراحی پیچیده و اجرای دقیق آن بود: عملیاتی که هنوز در تحلیل‌های نظامی به‌عنوان نمونه‌ای از حملات دوربرد موفق از آن یاد می‌شود.

جلیل زندی: خلبان تک‌خال اف-۱۴

جلیل زندی، خلبانی ایرانی که در زمان دفاع‌مقدس ۱۱ جنگنده دشمن را سرنگون کرد، مردی که در جهان به تک‌خال اف-۱۴ معروف است. خلبان تک‌خال به خلبان نظامی‌ای گفته می‌شود که توانسته باشد در نبردهای هوایی، دست‌کم ۵ فروند هواپیمای دشمن را سرنگون کند. طبق اطلاعات موجود، خلبان زندی، همان تک‌خال ایران در دوران جنگ بود که با هدایت اف-۱۴ توانست ۱۱ جنگنده دشمن را نابود کند و در دسته مشهورترین تک‌خال‌های اف-۱۴ در جهان قرار بگیرد.

عملیات بغداد و عباس دوران

میان خلبانان نیروی هوایی ایران، نام عباس دوران جایگاه ویژه‌ای دارد. او خلبان جنگنده اف ۴ فانتوم بود و در طول جنگ مأموریت‌های متعددی را در عمق خاک عراق انجام داد.

یکی از مشهورترین عملیات‌های او مربوط به حمله بغداد بود. حکومت صدام حسین که در سوم خرداد ۱۳۶۱، خرمشهر را از دست داده بود، تلاش کرد تا با برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد، عراق را در امنیت نشان دهد.

همین نگاه موجب شد تا خلبانان جسور ایرانی با ایده وزارت امور خارجه و چراغ سبز دولت، راهی آسمان بغداد شوند. به‌علت اهمیت سیاسی عملیات و به‌منظور نمایش ناامن‌بودن آسمان بغداد، میزان خسارتی که به دشمن وارد می‌شد، مورد توجه نبود. در آن مأموریت، هواپیمای عباس دوران و ۳ هواپیمای دیگر در عملیات حاضر بودند و توانستند هدف مورد نظر را اجرایی کنند. هر چند هواپیمای دوران در عملیات مورد اصابت قرار گرفت و او هم جنگنده را به ساختمان محل اجلاس کوبید و به شهادت رسید اما هنوز هم عملیات بغداد، نمادی از جسارت خلبانان ایرانی است.

دیدگاه

غرور ملی ایرانیان؛ بیگانه با تسلیم، مخالف با زورگویی

«ایرانی‌ها از غرور فراوانی برخوردار هستند. آن‌ها واقعاً از هر چیزی که بوی تسلیم شدن یا سر خم کردن در برابر فشار، لفاظی یا ارعاب نظامی بدهد، متنفرند.» این سخنان یک مقام امنیتی در دولت سابق آمریکاست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان امروز، «ایرانی‌ها از غرور فراوانی برخوردار هستند. آن‌ها واقعاً از هر چیزی که بوی تسلیم شدن یا سر خم کردن در برابر فشار، لفاظی یا ارعاب نظامی بدهد، متنفرند». این سخنان یک مقام امنیتی در دولت سابق آمریکاست: اظهاراتی که بعنوی بازتابی از برداشت‌های بیرونی نسبت به روحیه تاریخی و فرهنگی ایرانیان محسوب می‌شود.

در خصوص تسلیم‌ناپذیری ایرانیان، طی یک تا دو سال اخیر بارها سخن گفته شده است. بر همین اساس، تأکید می‌شود که ایرانیان خود را ملتی می‌دانند که تسلیم نمی‌شود و به‌جای آن، به برقراری ارتباطی برابر، مذاکره‌ای متوازن و همسنگ اعتقاد دارد. در این چارچوب، آمادگی برای گفت‌وگو و برقراری رابطه وجود دارد؛ اما پذیرش تسلیم، خارج از چارچوب اصول و قواعد تلقی می‌شود. مفهوم تسلیم و نسبت آن با رفتار تاریخی ایرانیان مورد توجه قرار گرفته است. بررسی‌هانشان می‌دهد که ایرانیان، بر پایه فرهنگ و اعتقادات مذهبی خود، همواره در پی احقاق حقوق خویش بوده‌اند و از آنچه شایسته خود می‌دانند، عقب‌نشینی نمی‌کنند. در عین حال، تأکید می‌شود که تسلیم‌ناپذیری به معنای جنگ‌طلبی یا تشدید تنش نیست. در این نگاه، تسلیم شدن به معنای چشم‌پوشی از حقوق اساسی و واقعی است؛ امری که نادرست تلقی می‌شود. از این‌رو، تسلیم‌ناپذیری نه به معنای جنگ‌جویی، بلکه به مفهوم صلح‌طلبی مشروط به رعایت حقوق است. صلحی که در آن حقوق یک ملت نادیده گرفته شود، صلحی تحمیلی ارزیابی می‌شود و تعریف خاص خود را دارد. این رویکرد ریشه در نوعی احساس توانمندی ملی دارد؛ احساسی که حاصل تاریخ و تمدن ایران است. پیشینه تاریخی، روایت‌های تمدنی و دستاوردهای ایرانیان در حوزه‌های مختلف علمی، نظامی و فرهنگی، همگی در شکل‌گیری این خودباوری نقش داشته‌اند. این مجموعه عوامل، به شکل‌گیری نوعی هویت و «کروه ملی» انجامیده که بر اساس آن، تسلیم‌ناپذیری به‌عنوان یک ویژگی برجسته مطرح می‌شود. بی‌توجهی به این ویژگی‌های ملی، می‌تواند به خطای محاسباتی در نگاه دیگر کشورها منجر شود و تصویری غیرواقعی از جامعه ایرانی ارائه دهد. بر همین اساس، تأکید می‌شود که حتی در شرایط آتش‌بس نیز این «کروه ملی» در حال بیان مواضع خود است؛ مواضعی که بر عدم تسلیم، توانایی دفاع از حقوق و ایستادگی در برابر فشارها تأکید دارد. این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که شناخت دقیق ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایرانیان، برای تحلیل رفتار و مواضع این جامعه در شرایط کنونی، ضرورتی انکارناپذیر است. در شرایطی که بحث تسلیم‌ناپذیری ملت ایران بار دیگر در فضای سیاسی و رسانه‌ای برجسته شده، بررسی ریشه‌های فرهنگی و تمدنی این ویژگی، اهمیت دوچندانی یافته است. در همین راستا، «آرمان امروز» در گفت‌وگویی با عیسی حمیدیانی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی، به واکاوی نسبت میان تمدن ایرانی و روحیه مقاومت در جامعه پرداخته است. حمیدیانی با اشاره به پیشینه تاریخی ایران، تأکید می‌کند که تسلیم‌ناپذیری در میان ایرانیان، صرفاً یک واکنش مقطعی یا سیاسی نیست، بلکه ریشه در لایه‌های عمیق تمدنی و فرهنگی این سرزمین دارد. به گفته او، ایران به‌عنوان یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان، همواره تجربه‌های متعددی از مواجهه با بحران‌ها، تهاجمات و فشارهای خارجی را پشت سر گذاشته و همین تداوم تاریخی، نوعی خودآگاهی و اعتمادبه‌نفس جمعی در میان ایرانیان ایجاد کرده است. وی می‌افزاید که این خودآگاهی تاریخی، باعث شده ایرانیان خود را نه صرفاً یک ملت، بلکه وارث یک تمدن بدانند؛ تمدنی که در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی و حتی سیاسی، نقش‌آفرینی‌های مهمی در تاریخ داشته است. به اعتقاد این استاد دانشگاه، چنین برداشتی از هویت، به‌طور طبیعی حساسیت نسبت به استقلال، عزت و حقوق ملی را افزایش می‌دهد و هر گونه رفتار یا رویکردی که شائبه تحمیل یا سلطه داشته باشد، با واکنش منفی مواجه می‌شود. حمیدیانی در ادامه با اشاره به نقش فرهنگ و اعتقادات مذهبی در تقویت این روحیه، تصریح می‌کند که آموزه‌های دینی نیز بر مفاهیمی همچون عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و دفاع از حق تأکید دارند و این مفاهیم در طول زمان با عناصر فرهنگی و تاریخی ایران درهم آمیخته‌اند. به گفته او، حاصل این ترکیب، شکل‌گیری نوعی فرهنگ عمومی است که در آن، تسلیم شدن در برابر فشار یا نادیده گرفتن حقوق، امری مذموم تلقی می‌شود. این کارشناس سیاسی همچنین خاطرنشان می‌کند که تسلیم‌ناپذیری در نگاه ایرانی، الزاماً به معنای تقابل یا جنگ‌طلبی نیست. او معتقد است که در سنت فکری و فرهنگی ایران، همواره گفت‌وگو، تعامل و حتی سازش در چارچوب حفظ منافع و حقوق ملی مورد پذیرش بوده است. با این حال، هرجا که این حقوق نادیده گرفته شود، جامعه ایرانی تمایل به ایستادگی و مقاومت از خود نشان می‌دهد.